

## پَرخوانی و ذکر خنجر: بقایای اعتقادات کهن در میان ترکمن‌های ترکمن صحرا

عقیل تقوی \*

(تاریخ دریافت: ۹۵/۲/۱۸، تاریخ پذیرش: ۹۶/۵/۳)

### چکیده

بسیاری از باورها و اعتقادات کهن ساکنان ترکمن صحرا را می‌توان در قالب بازنمایی‌ها و رفتارهای آیینی آن‌ها بازجست؛ آیین‌هایی همچون پَرخوانی یا ذکر خنجر ضمن اینکه نمادی از تصورات و باورهای کهن آن‌ها هستند، بسیاری از اعتقادات راه‌یافته از جوامع هم‌جواری یا ادیان پیش از اسلام، اعتقادات اسلامی را بازتاب می‌دهند. در این پژوهش ضمن بازگویی اطلاعات گردآمده از میدان تحقیق تلاش شده است با بهره‌گیری از منابع پژوهشی معتبر، تحلیلی همه‌سونگر از پدیدارشناسی نمادهای دینی - قبیله‌ای و آیین‌های ترکمن‌های ترکمن صحرا ارائه شود. مشخص کردن سهم و نقش اعتقادات ایرانی و اسلامی در تجلی آیین‌های ترکمنی هدف دیگر این مقاله به‌شمار می‌رود که هم‌سو با مضمون اصلی پی‌گرفته شده است. بررسی انسان‌شناختی شمنیسم به‌عنوان اصلی‌ترین قالب دینی در میان ترکمن‌ها و تلفیق عناصر ایرانی و تصوف اسلامی با آن، بخش مهمی از این پژوهش است که در مجموع نظام اعتقادی ترکمن‌ها را به تصویر می‌کشد. نظام اعتقادی در هر جامعه‌ای از

۱. استادیار مردم‌شناسی دانشگاه دولتی ایروان (نویسنده مسئول)

\* aghil.taghavi95@gmail.com

منطق و الگوی نخبگان و توده مردم تبعیت می‌کند که جریان دین فولکلوریک یا غیررسمی را هم‌سو با جریان موجه و مقتدرانه دین رسمی به تصویر می‌کشد.

**واژه‌های کلیدی:** ترکمن‌های ترکمن صحرا، شمنیسم، تصوف، پرخوانی، ذکرخنجر، اوراد و اذکار.

### ۱. مقدمه

ترکمن‌ها یکی از اقوام ایرانی هستند که سال‌ها در فلات ایران زیسته‌اند. مذهب آنان سنی است. در تاریخ کهن تا سده‌ها پیش از ظهور اسلام قرابت‌ها و درآمیختگی‌های فراوانی میان آن‌ها با ایرانیان ساکن در آسیای میانه از جمله سغدها و تخاری‌ها وجود داشته است (ر.ک: لاگاشووا، ۱۳۵۹؛ نیز: آرونز، ۱۹۶۸). به غیر از اسناد زبان‌شناختی، وجود تصورات و اعتقادات، آیین‌ها و مراسم مشترک، این ادعا را به حقیقت نزدیک می‌کند. بسیاری از اعتقادات و باورهای فولکلوریک ترکمن‌ها با نظام اعتقادی توده‌ها در ایران هم‌خوانی دارد. از سویی دیگر در نظام اعتقادی و باورهای کهن دینی آن‌ها، عناصر کهن و ابتدایی همچون اعتقاد به ساحری و جادو، و تسلط ارواح بر انسان‌ها که به طور کلی «شمنیسم» نامیده می‌شود، نیز مشاهده می‌شود که در اعتقادات کهن و آئینیستی آن‌ها در گذشته‌های دور ریشه دارد. شمنیسم مهم‌ترین نظام دینی ترکمن‌هاست که به‌مثابه کهن‌الگو، ساختار اعتقادی آن‌ها را شکل داده است؛ به گونه‌ای که با وجود پذیرش اسلام از سده‌ها پیش تاکنون هنوز هم نشانه‌ها و نمادهای شمنیستی در آیین‌ها و مراسم قومی - ملی آن‌ها متجلی و مستحکم است. پیوند اندیشه‌های سلوکی عرفانی و گونه‌ای از تصوف با شمنیسم و تأثیرگذاری بر آن و تأثیرپذیری از آن به تقویت این امر منجر شده است. شمنیسم و برخی اجزای آن از جمله فنون خلسگی بر برخی گرایش‌های صوفیانه نیز مؤثر بوده است. افزون‌بر این در سده‌های میانه در میان ترکمن‌ها و بسیاری از اقوام و مردمان دیگر آسیای میانه فرقه‌ها و طریقت‌های صوفی مسلک، به‌ویژه فرقه یسوعی (قرن دوازدهم) و نقشبندیه (قرن پانزدهم) رواج یافت (باثورت، ۲۰۰۳: ۸۰۳-۸۰۴). خلاف نظام منسجم و مستحکم دین اسلام، تصوف نفوذپذیرتر بود و به راحتی از طرف ترکمن‌ها و رهبران و بزرگان قوم آن‌ها پذیرفته شد؛ زیرا به باورها و

اعتقادات دیرین آن‌ها که ریشه‌های شمنیستی داشتند، نزدیک‌تر بود. در بین محققان و پژوهشگران جهان رابطه عقیدتی و آیینی تصوف با شمنیسم موضوع پژوهش‌های مهمی قرار گرفت که در ادامه برخی از آن‌ها معرفی می‌شود.

برخی عناصر نمادین در شمنیسم تشابه آشکارتری با مسلک‌های متصوفه دارند. چنانچه سفر، خلسه و ریاضت‌پیشگی را می‌توان در برخی گرایش‌های تصوف نیز دید. این امر را رهبران دینی یا روحانیون شمنیسم تقویت کرده‌اند. اختلاط فرهنگ‌ها و عناصر دینی مختلف را در مراسم «ذکر خنجر» ترکمن‌ها نیز می‌توان مشاهده کرد؛ زیرا این مراسم نوعی نمایش آیین شمنی بوده و اجرای آن تجلی اعتقادات مربوط به توتم را در بر داشته است. در دوره‌های اسلامی این مراسم با مضامین اسلامی - عرفانی همراه شد و در اجرای آن اذکار و ادعیه فرهنگ اسلامی به کار رفت. به عبارت دیگر، یکی از انعطاف‌ها و جاذبه‌های دین اسلام را می‌توان در جریان دینی - مذهبی مردمان مناطق مختلف آسیای میانه بازجست. چنان‌که اسلام در هر منطقه ترکیبی پیچیده از باورها و اعتقادات و مقدسات دین‌های کهن و سنت‌های معمول اسلامی شده و کم‌وبیش صورت نوعی مذهب تلفیقی را به خود گرفته و همین عامل اشتیاق گروندگان به آن بوده است.

## ۲. ادبیات پژوهش

### ۲-۱. بیان مسئله

تصورات دینی - مذهبی و باورهای ملی و قومی می‌توانند خود را در قالب نمادها و نشانه‌های فرهنگی آشکار کنند. انسان‌شناسان و مردم‌شناسان معتقدند که در بسیاری از فرهنگ‌ها با آیین‌ها و مناسک و مراسمی روبه‌رو هستیم که از چگونگی پیدایی آن‌ها یا باور و اعتقادی که سبب به‌جود آمدن آن‌ها شده است، آگاهی نداریم. بسیاری از آداب و مناسک دینی و غیردینی در جوامع صورت بیرونی و تجلی باورها و اعتقاداتی است که باورپذیران به صورت نمادین با اجرای جمعی آن سعی در نمایش اعتقادات خود دارند. همچنین گاه از طریق منابع مستند از وجود اعتقادات و باورهایی کهن اطلاع می‌یابیم، لیکن از صورت‌های نمایشی آن یعنی آداب و رسوم و مناسک و آیین‌ها

نشانه‌ای باقی نمانده است. بنابراین یکی از اهداف پژوهش‌های انسان‌شناسان و فولکلورشناسان معاصر این است که با قراردادن واقعیت‌ها و پدیده‌های فرهنگی مورد تحقیق در متن و زمینه‌های تاریخی - اجتماعی مناسب و با در نظر گرفتن نسخه‌ها و انگاره‌های مشترک در فرهنگ‌ها و جوامع هم‌بستر و همسایه بتوانند از نقاط تاریک و مجهول هر پدیده پرده بگشایند و تصویری کامل‌تر از چپستی آن ارائه نمایند. بدین منظور بهره‌گیری از تحلیل‌های همه‌جانبه که یک موضوع را همچون منشوری از زوایای مختلف بررسی و نقادی می‌کند و بررسی و مطالعه تشابهات فرهنگی در حوزه‌های دور و نزدیک به پژوهشگر بینشی همه‌سونگر می‌بخشد و او را در بیان کامل پدیدارهای فرهنگی توانا می‌سازد. بر این اساس در این پژوهش ضمن مطالعه وضعیت اعتقادی ترکمن‌ها در بستری تاریخی و تبیین ریشه‌ها و خاستگاه‌های فرهنگی - قومی، با شناخت نمادها و نشان‌های دینی و آیینی همچون مراسم پرخوانی یا ایشانی، بررسی شخصیت «بخشی» یا «باغشی» به عنوان شمن و تبیین عملکرد و کارکرد او در جوامع ترکمن، تلاش می‌شود تصویری دقیق و واضح‌تر از نظام اعتقادی ترکمن‌ها ارائه شود. لازم به توضیح است که نظام اعتقادی هر جامعه‌ای از منطق «الگوی دوگانه‌نخبگان و توده مردم» تبعیت می‌کند که عبارت است از مجموع جریان دین فولکلوریک و غیررسمی که هم‌سو با جریان موجه و مقتدرانه دین رسمی به حیات خود در اجتماع ادامه می‌دهد. جریان غیررسمی دینی در جوامع را در صطلاح «دین عامیانه» می‌نامند.

## ۲-۲. اهداف و ضرورت پژوهش

این پژوهش تلاش می‌کند با تکیه بر نظریه‌های انسان‌شناختی و بر اساس روش‌های اتنوگرافیک به بازشناسی نمادها و نشان‌های فرهنگی - دینی ساکنان ترکمن صحرا بپردازد. در این میان بهره‌گیری از رهیافت‌های حوزه‌ها و رشته‌های علمی دیگر نیز گریزناپذیر است؛ زیرا برای ارائه تصویری کامل از نظام پدیده‌های دینی - اعتقادی ترکمن‌ها الزاماً باید به محدوده دانش‌های دیگر همچون ادبیات، موسیقی و هنر، نمایش، دین‌شناسی تطبیقی، اسطوره‌شناسی و تاریخ نیز پای نهاد؛ زیرا بسیاری از صورت‌های بیرونی اعتقادات آن‌ها در قالب نمایش، سرود، شعر و موسیقی متجلی می‌شود.

مشخص کردن نقش و تأثیر اعتقادات مذهبی در زندگی و جهان‌بینی مردم ترکمن و بررسی خاستگاه و ریشه‌های اصلی هر یک از اعتقادات دینی و تصورات فولکلوریک آن‌ها از مهم‌ترین اهداف پژوهش حاضر است. بر این اساس تلاش شده تا ابتدا ریشه‌های اعتقادی ساکنان ترکمن صحرا را با استفاده از منابع مستند مکتوب بازشناسی کنیم. به همین جهت با مرور پیشینه و خاستگاه آن‌ها آبخور اعتقادات دینی و زمینه‌های پیدایش شمنیسم به عنوان دین کهن آن‌ها و سپس راهیابی عناصر فرهنگ‌های دور و نزدیک بر اعتقادات شمنی آن‌ها را تحلیل می‌کنیم.

### ۲-۳. پیشینه پژوهش

در باره ترکمن‌های ایران پژوهش‌های متعددی از منظرها و ابعاد مختلف صورت گرفته که در تألیف و تنظیم پژوهش حاضر از آن‌ها استفاده شده است. به برخی از این پژوهش‌ها اشاره می‌شود:

۱. رساله ولادیمیر مینورسکی درباره ترکمن‌ها که با عنوان *تاریخ مختصر ترکمن* در ۱۹۶۰ منتشر شد؛
۲. *سیری در تاریخ سیاسی و اجتماعی ترکمن‌ها* اثر امین گلی (۱۳۶۶)؛
۳. *ترکمن‌ها در عصر امپریالیسم* و کتابی دیگر با عنوان *نگاهی گذرا به تاریخ ترکمن‌ها* هر دو از محمت سارای (۱۳۷۸)؛
۴. *گنبد کاووس* اثر سوزلیک قاضی‌گنبد (۱۳۶۴) که در آن وضعیت ترکمن‌های منطقه گنبد کاووس را مطالعه کرده است؛
۵. *ترکمن‌های جهان*، تألیف دردیف و قادیروف (۱۹۹۱)؛
۶. *ایرانیان ترکمن، پژوهشی در مردم‌شناسی و جمعیت‌شناسی* اثر محمد شریف-کمالی (۱۳۷۴)؛
۷. *اقوام مسلمان اتحاد شوروی* اثر شیرین آکینر (۱۳۷۸)؛
۸. *ترکمن‌های ایران* اثر لوگاشوا بی‌بی رابعه (۱۳۵۹)؛
۹. *ترکمن‌های ایران* اثر محمدرضا بیگدلی (۱۳۶۱)؛

آیرونز به عنوان متخصص ترکمن‌های یموت ابعاد قومی - قبیله‌ای و سازمان اجتماعی ترکمن‌ها را مطالعه کرده و به زندگی شبانی آن‌ها از جنبه‌های مختلف پرداخته است. وی سال‌ها در میان ترکمن‌ها زیسته و پژوهش‌های میدانی‌اش را در قالب آثار متعدد منتشر کرده است. برخی از مهم‌ترین آثار وی عبارت‌اند از *ترکمن‌های یموت*<sup>۳</sup> (۱۹۷۵)؛ *قبایل ترکمن*<sup>۴</sup> (۱۹۶۸)؛ *قشربندی اجتماعی ترکمن‌های یموت در ایران*<sup>۵</sup> (۱۹۷۱). پژوهش‌های واسیلی بارتولد درباره ترکمن‌ها نیز بسیار اهمیت دارد. آثار وی کم و بیش به فارسی ترجمه شده‌اند، به‌ویژه کتاب *ترکستان‌نامه* (۱۳۵۲) و *تاریخ ترک‌های آسیای میانه* (۱۳۷۶). مقالاتی در این باره از او موجود است مانند «درباره تاریخ مردم ترکمن»<sup>۶</sup> که شرح مفصلی درباره ترکمن‌ها در آن موجود است. مقاله «ایشان‌های»<sup>۷</sup> (۱۹۶۶) نیز در این باره تحقیقی مهم به شمار می‌رود. افزون بر این ولادیمیر باسیلوف<sup>۸</sup> که اختصاصاً به محتوای اعتقادی ترکمن‌ها و آداب و مناسک آن‌ها نظر داشته است، مقالات و کتاب‌های بسیاری در این باره دارد. برخی از مهم‌ترین آثار وی در این پژوهش مورد استفاده قرار گرفته است.

یکی دیگر از بهترین پژوهش‌های میدانی از دیدگاه مردم‌شناختی مربوط به هوشنگ پورکریم (۱۳۴۵) است که در نشریه *هنر و مردم*، با عنوان «ترکمن‌های ایران، اینچه-برون و ترکمن‌های قوشان‌تپه» منتشر شد. در سال‌های اخیر نیز می‌توان به پژوهش‌های انسان‌شناختی منیژه مقصودی اشاره کرد. مقصودی با انتشار مقالات پژوهشی متعدد، زوایای مختلف اعتقادات ترکمن‌ها درباره آیین پرخوانی را به تصویر کشیده است (نک: مقصودی، ۱۳۹۲: ۸۵).

#### ۲-۴. روش‌شناسی

رویکرد انسان‌شناختی و بهره‌گیری از روش‌های مردم‌نگاری و اتنوگرافی ساختار این پژوهش را تشکیل می‌دهد. برای بررسی‌های تاریخی و مقایسه عناصر فرهنگی ساکنان ترکمن صحرا با جوامع هم‌جوار و بررسی خاستگاه دینی و اعتقادی آن‌ها از پژوهش‌های کتابخانه‌ای و اسنادی بهره گرفته شد. از این‌رو، منابع دست اول تاریخی، اجتماعی و حتی جغرافیایی و قوم‌نگاری برای تبیین هستی‌شناختی بازنمایی‌هایی آیینی ترکمن‌ها و

تشریح آداب و رسوم و مناسک آن‌ها به‌کار گرفته شد. در پژوهش‌های میدانی از تکنیک‌های مردم‌نگاری همچون مشاهده مشارکتی و استفاده از مصاحبه‌های عمیق و طولانی، ثبت و ضبط داده‌ها و بررسی و تحلیل آن‌ها استفاده شد. نگارنده با زندگی کردن در استان گلستان به عنوان مردم‌شناس توانسته است به یکی از اقوام کهن تاریخ دسترسی داشته باشد و با تماس‌های مکرر و هم‌زیستی با آن‌ها این پژوهش را اجرا کند. در تنظیم داده‌های مربوط به آیین‌های منشعب از شمنیسم، شرکت جستن در مناسک و مراسم آن‌ها توانایی نگارنده را در ثبت و ضبط داده‌ها بالا برده است. نگارنده در هریک از مراسم با افراد فراوانی روبه‌رو شده و شاهد تجلی و بازنمایی بسیاری از اعتقادات آن‌ها در قالب نمایش‌های آیینی بوده است.

### ۳. چارچوب نظری

چارچوب نظری این مقاله از یک‌سو بر تئوری‌های مردم‌شناختی و قوم‌نگاری به‌ویژه پژوهش‌های جیمز فریزر، تایلور<sup>۹</sup> و لوی برول استوار است و از سوی دیگر به نظریه‌های اسطوره‌شناختی و دین‌شناسی تطبیقی نیز توجه دارد. جاندارانگاری یا روح-انگاری معادل‌های فارسی «آنیسم» است. این تئوری انسان‌شناختی که از مکتب انسان‌شناسی انگلیس به سردمداری ادوارد برنت تایلور آغاز شد، بر وجود نوعی ذهنیت در انسان‌های جوامع ابتدایی تأکید دارد که همه پدیده‌های مادی و معنوی پیرامون خود را دارای روح و جان می‌پندارند. این موضوع را تایلور (۱۸۷۱: ۱۰۸/۲-۱۰۹) در کتاب *فرهنگ ابتدایی*<sup>۱۰</sup> به تفصیل شرح می‌دهد. تایلور بر اساس اصل «وحدت روانی بشر»<sup>۱۱</sup> این نظریه را بیان کرد.

توتمیسم و مانا به همراه آنیسم مثلی را تشکیل دادند که از آن برای توجیه ریشه‌های تفکر دینی و چگونگی پیدایی دین‌های اولیه از جمله شمنیسم و توجیه بازنمودهای آیینی-دینی و فرهنگی آن استفاده شد. بر اساس این تئوری‌ها و در توجیه پدیدارشناختی شمنیسم باید گفت که ما با آیینی بس کهن و ابتدایی روبه‌رو هستیم که با وجود تحولات و تطورات فراوان هنوز هم بسیاری از نمادهای جمعی و باورهای موجد آن را می‌توان در جوامع مختلف یافت. حتی با وجود سرایت و رسوخ عناصر

شمینسم به ادیان و آیین‌های دیگر، می‌توان شکل مغلوب و تغییر یافته آن را در آیین‌ها و بازنمودهای فرهنگی جوامع دور و نزدیک بازشناخت. آنچه به میستیک<sup>۱۲</sup> معروف است و نوعی از «عرفان» و مسلک باطنی را معنا می‌کند، یکی از مواردی است که نشان می‌دهد، تفکرات شمنیستی به ادیان دیگر نیز وارد شده است (لوی برول، ۱۳۹۰: ۹۲).

بازشناسی جوامع براساس تحلیل و تجزیه نمادها و نشان‌های آیینی آن‌ها، از جمله موضوعاتی است که نظریه‌های مختلف اسطوره‌شناسی، دین‌شناسی تطبیقی، فولکلور و حتی انسان‌شناسی فرهنگی را به وجود آورده است. برای رجوع به یکی از بهترین پژوهش‌ها درباره شمنیسم، پژوهش‌ها و تئوری‌های میرچا الیاده می‌تواند چارچوبی روشن برای محققان ترسیم کند. به ویژه اینکه تئوری‌های الیاده درباره دین اقوام مختلف بر پایه داده‌های مردم‌شناختی، اسطوره‌شناسی و تاریخ است، به نحوی که می‌توان روش او را نوعی هرمنوتیک تاریخی - دینی در نظر گرفت. وی شمنیسم را از دیدگاه دین‌شناسی تطبیقی از جمله ادیان کهن می‌داند که نوع خاصی از عقلانیت را نمایان می‌سازد. هرچند ویژگی خلسه و گونه‌ای از عرفان یا مسلک باطنی موجود در شمنیسم آن را به مرکزیت سنت دینی نوع بشر نیز نزدیک می‌سازد (جعفری، ۱۳۸۷: ۵۱).

الیاده (۱۳۷۲: ۳۲) نیز در در بحث رابطه شمنیسم و مشرب‌های باطنی هم‌سو با آن، بر اهمیت درک این آیین در بستر تاریخی - فرهنگی تأکید کرده است. پژوهش‌های الیاده درباره شمنیسم ضرورت مطالعه همه‌جانبه آن را در پی داشت. در حقیقت شمنیسم، پس از کتاب الیاده با عنوان *شمنیسم: فنون باستانی خلسه*، به صورت گسترده‌ای مورد توجه پژوهشگران قرار گرفت. این کتاب، شمنیسم را عمل درمانی جهان‌شمولی در نظر می‌گرفت که با کاربست رابطه‌ای خلسه‌آمیز با جهان روحانی و به نیابت از کل جامعه صورت می‌گیرد (الیاده، ۱۳۹۲). وینکلمن در اثر مفصل خود با عنوان *فرهنگ و سلامتی: انسان‌شناسی پزشکی کاربردی*<sup>۱۳</sup> شمنیسم را پدیده‌ای اتیک (مطالعه مردم‌شناختی یک اثر یا یک موضوع) معرفی می‌کند که سازگاری بوم‌شناختی و روان-زیست‌شناختی جوامع شکارچی گردآورنده خوراک با ساختارهای زیست‌شناختی، فرایندهای روان‌اجتماعی و نیازهای درمانی مقوم آن (شمیسم) بوده است. به نظر وینکلمن<sup>۱۴</sup> (۲۰۰۸: ۲۰۴-۲۲۴) بخش مهم و پر قدرتی از شمنیسم را می‌توان در مفاهیم مربوط به سلامت و بیماری و



پَرخوانی و ذکر خنجر: بقایای اعتقادات کهن... عقیل تقوی

روش‌های درمانی در بیشتر جوامع بازجست. بر این اساس هنوز تصویری که بیشتر توده مردم درباره بیماری دارند، مبتنی بر عرفان آنیمیستی و شمنی است و روش‌های درمانی مورد نظر عوام بر پایه همین آیین قابل توجیه و تبیین است.

### ۳-۱. باورها و اعتقادات کهن (پیش از اسلام)

دین اسلام با ترویج در آسیای میانه و گسترش در بین مردمان منطقه، شکل‌های متعدد و متنوعی به دست آورده و در طول زمان با ارزش‌های معنوی، آیین‌ها و آداب و رسوم پیش از ظهور اسلام درهم آمیخته است. دین اسلام در هر منطقه ترکیب بسیار پیچیده-ای از باورها، مقدسات و آیین‌های قبل از اسلام و سنت‌های معمول اسلامی را دربر می‌گیرد و این بدان معنی است که به نظام دینی تلفیقی مبدل شده است. همان‌گونه که گفته شد، پیش از قبول اسلام، دین بیشتر مردمان آسیای میانه شمنیسم بوده که تحقیقات گسترده‌ای درباره آن انجام شده است. ابتدا به تعریف مفاهیم شمنیسم می‌پردازیم.

#### ۳-۱-۱. شمنیسم

شمنیسم در منابع این‌گونه تعریف شده است: شمنیسم مجموعه‌ای از اعتقادات پرستشی و باورها است؛ حال آنکه شمن‌وارگی فقط به حرکات و اعمال شمن مربوط می‌شود (پاتاپوف<sup>۵</sup>، ۱۹۹۱: ۱۹)؛ اما برخی از محققان با این تمایز و تفکیک موافق نیستند و به نظر آن‌ها کاربرد همان اصطلاح شمنیسم به خوبی بیانگر این مضامین است (باسیلوف<sup>۶</sup>، ۱۹۸۴: ۲۰۸). بنابراین در ادامه این تحقیق فقط از واژه شمنیسم با مفهوم گسترده آن استفاده خواهیم کرد. شمنیسم نظام اعتقادی خاص مردمان سیبری و آسیای میانه است (باسورت، ۲۰۰۳: ۸۰۲؛ یاکوبسن<sup>۷</sup>، ۱۹۹۹: ۱۹۱). هر چند نام شمنیسم در زبان تونگوزی سیبری ریشه دارد؛ اما به‌عنوان یک ایدئولوژی در دوران پیش از تاریخ در میان بسیاری از اقوام بدوی و ملل مختلف در اقصی نقاط جهان، از جمله سیبری، خاور دور، آسیای جنوب شرقی، آفریقا، آمریکای شمالی و غیره رواج داشته است. تعیین مکان پیدایش شمنیسم امکان‌پذیر نیست؛ زیرا بسیاری از اقوام و ملل جهان در بخشی از تاریخ کهن خود، مستقل از دیگران، به مرحله‌ای از تکامل رسیده‌اند که به باورها و اعتقادات شمنیستی روی آورده‌اند. اساس جهان‌بینی شمنیستی بر مبنای چند باور و عقیده اصلی

بنیان نهاده شده است. نخستین و مهم‌ترین آن‌ها این است که ارواح مختلفی وجود دارند که بر روی زمین ساکن هستند. آن‌ها بر این باورند که این ارواح در کالبد موجودات جاندار به صورت روح و روان آن‌ها زندگی می‌کنند. باسورت معتقد است که شمنیسم دین نیست، بلکه مجموعه‌ای از آیین‌ها و باورهایی است که اساس اعمال و حرکات پیچیده شمن‌ها را تشکیل می‌دهند و البته تشابهاتی با ادیانی چون بوداییسم، کنفیوسیسیسم، اسلام و مسیحیت دارد (همان، ۸۰۲). از طرفی دیگر میرچا الیاده شمنیسم را به عنوان دینی تعریف می‌کند که هم‌زمان عرفان و جادوگری و مشخصاً مجموعه‌ای از مهارت‌ها و تکنیک‌های باستانی را در خود دارد و به منظور رسیدن به حالت خلسگی آن‌ها را به کار می‌گیرد (الیاده، ۱۵: ۱۳۹۲؛ نیز رک: یاکوبسن، ۱۹۹۹: ۴).

همان‌گونه که می‌دانیم اعتقاد به ارواح مختلف و جهان روحانی را آنیمیسم می‌نامند. از ویژگی‌های اصلی شمنیسم آن است که برای ایجاد ارتباط بین جهان آدمی و دنیای روحانی نیاز به واسطه‌هایی<sup>۱۸</sup> است. این واسطه‌ها توسط خود ارواح برگزیده و توانایی‌های خاصی به آن‌ها القا می‌شود. شمن‌ها از همین واسطه‌ها به شمار می‌روند که وظیفه آن‌ها خدمت کردن به ارواح و نجات انسان‌های اطرافشان از رنج‌ها و دشواری‌ها به کمک آن‌هاست. شمن‌ها با رسیدن به حالت خلسگی، مستقیماً با ارواح تماس می‌گیرند و با کمک آن‌ها می‌توانند آینده را پیش‌بینی کنند، علت بیماری‌ها را بیابند و بیماران را شفا دهند، اشیای گمشده را بیابند و از وقوع فجایع پیشگیری کنند (باسیلوف، ۱۹۸۴: ۲۰۸). الیاده نیز به توانایی‌های خاص شمن‌ها و مهارت‌های آن‌ها در غلبه بر آتش و نیز تسلط کامل در سیر و پرواز آزادانه اشاره می‌کند. شمن‌ها قادر هستند به ترانس وارد شوند و از طریق آن از جسمشان رها شوند و به آسمان صعود کنند و یا به دنیای آخرت سفر کنند. توانایی‌های خارق‌العاده شمن‌ها و همچنین آیین‌های مختلف مربوط به حیوانات و پرندگان که اجزای اصلی اعتقادات شمنیستی را شکل می‌دهند، از دیدگاه الیاده، در فرهنگ شکار دوران پالتولیتی ریشه دارند (همان‌جا).

## ۲-۳. ایرانی بودن ریشه‌های اعتقادی ترکمن‌ها

اعتقادات شمنیستی در میان مردمان هندواروپایی رواج داشته است و این پدیده به‌خصوص در میان اقوام ساکن هندوستان که ریشه هندواروپایی دارند، دیده می‌شود.

در بین ملل اروپایی نیز آثار و نمادهای شمنیسم تا به امروز وجود دارند. جادوگری یکی از نمادهای بازمانده از اعتقادات شمنیستی است که روحانیان مسیحی در طول تاریخ همیشه علیه آن مبارزه می‌کردند. این مبارزه‌ای است که احتمالاً تا به امروز ادامه دارد. «جادوگران» و «ساحرهایی» که در بین مردمان اروپایی فعالیت دارند، قطعاً پیروان شمن‌های باستان به‌شمار می‌آیند (باسیلوف، ۱۹۹۲: ۸).

اساس شکل‌گیری باورهای شمنیستی ملل آسیای میانه افسانه‌ها و اسطوره‌های متعددی است که متعلق به مردمان ایرانی‌زبان و ترک‌زبان این منطقه با فرهنگ‌های مختلف بوده است. برخی نویسندگان بر وجود باورهای شمنیستی در بین مردمان ایرانی‌زبان در دوران باستان تأکید دارند. خلاف آن نظریه که رواج شمنیسم در آسیای میانه را نتیجه مهاجرت اقوام پرشمار ترک می‌داند، اِسِنساریف<sup>۱۹</sup> (۱۹۶۶: ۴۳-۶۶) در پژوهشی با عنوان *اعمال و باورهای پیش از اسلام در میان ازبک‌های آسیای میانه*<sup>۲۰</sup> با رجوع به برخی مستندات، بر آن نظر تأکید دارد که منشأ شمنیسم این منطقه را باید در اعتقادات دینی اقوام ایرانی شرقی (سغدها، بلخی‌ها و خوارزمی‌ها) و در زمان‌های بسیار دور جست‌وجو کرد. برای اثبات این نظریه، وی به متون اوستایی استناد می‌کند که در آن‌ها شیوه برگزاری آیین‌های مختلف ماهیت شمنیستی دارند و نیز درباره ارواح مختلف و «خادمین دیوها» تفسیرهایی آورده شده است که با مکتب اصلی زرتشتیان تناقض دارند. در کتاب *ارداویراف‌نامه* که منسوب به آیین زرتشتیان و به زبان پارسی میانه نوشته شده است، ارداویراف که قهرمان اصلی (روح او) است، در آسمان و سپس در جهان آخرت سفر می‌کند، و با بازگشت از آنجا کلیه مشاهدات خود را تعریف می‌کند. در این رساله، آثار اعتقادات شمنیستی درباره نیروهای خارق‌العاده که مختص شمن‌هاست، به روشنی دیده می‌شود (لیتوینسکی<sup>۲۱</sup> و گیگنوکس<sup>۲۲</sup>، ۱۹۹۶: ۴۰۳-۴۲۰).

در رابطه با رواج شمنیسم در میان مردمان ترک‌زبان، باید یادآور شد که اطلاعات در این زمینه به قرن ششم میلادی باز می‌گردد. محققان بسیاری در تحقیقات خود به وجود باورهای شمنیستی در اقوام ترک‌زبان پرداخته‌اند. پژوهش‌های آقاجانوف<sup>۲۳</sup> (۱۹۷۱) و گومیلیف<sup>۲۴</sup> (۱۹۶۷) به ویژگی‌های ترک‌های باستان و اقوام و قبایل تشکیل‌دهنده آن‌ها می‌پردازد. باسیلوف (۱۹۹۲: ۱۴) اشاره می‌کند که طبق منابع و مدارک موجود شمنیسم در

میان ترک‌های قدیم به نوعی به عنوان اعتقادات و باورهای رسمی پذیرفته می‌شده است. جالب توجه آن است که اطلاعات موجود گواهی می‌دهند که ترک‌های قدیم هم شمن‌های عادی و عامی داشته‌اند و هم شمن‌هایی که نقش مهمی در حکومت و سیاست قبیله‌ای داشته‌اند. برای مثال، در بخشی از *اوغوزنامه* (نمونه‌ی اوغوری آن مربوط به قرون ۱۳-۱۴م) داستانی از دوران اوغوزخان بیان می‌شود که در آن به حضور پیری فرزانه، ریش سفید و سفیدموی اشاره می‌شود که قدرت پیشگویی داشت و از طرف آسمان مقدس نشانه‌هایی به او نمایان می‌شد و اوغوزخان هم به توصیه‌های او عمل می‌کرد (همان‌جا؛ نیز ر.ک: شریک در *اوغوزنامه* و *محبث‌نامه از ابوالغازی بهادرخان*<sup>۲۵</sup>، ۱۹۵۹). در تاریخ اقوام قرون وسطی نیز درباره‌ی پیشگو و مشاور دانا و افسانه‌ای دیگری به نام «کورکوت آتا» نام برده می‌شود که خان‌ها همیشه به توصیه‌های او عمل می‌کردند (کانونف<sup>۲۶</sup>، ۱۹۸۵: ۵۵-۶۰). این داستان‌ها حاکی از آن است که شمن‌ها در جوامع کوچ‌رو چه جایگاه خاص و والایی دارند. حتی روایات مربوط به کورکوت آتا در اثر حماسی معروف اوغوزی یعنی کتاب *دده قورد قورد* ثبت شده است. پرستش او در بین مردمان و اقوام ترک‌زبان، به‌ویژه قزاق‌ها بسیار رواج داشته است. آن‌ها قوردقورد را اولین شمن جهان و حامی مقدس همه‌ی شمن‌ها می‌دانستند (باسیلوف، ۱۹۷۰: ۴۰-۴۱).

### ۳-۳. شمن یا پرخوان به‌مثابه‌ی برگزیده‌ی ارواح

ترک‌های کهن هیچ‌گاه نام و واژه‌ی شمن را به کار نبرده‌اند. این نام نخستین بار در منابع روسی مربوط به قرن هفدهم به‌عنوان «خادمین» خاص یک امر دینی مورد استفاده قرار گرفت. از آن زمان به بعد اصطلاح «شمن» در کل جهان رواج یافت و زمینه‌ی پیدایش «شمنیسم» را فراهم کرد (پتایف<sup>۲۷</sup>، ۱۹۹۱: ۱۱۷).

شمن که منتخب و برگزیده‌ی ارواح بود، در طول تاریخ با نام‌های مختلفی خوانده می‌شد؛ اما پس از حملات مغول‌ها واژه‌های دیگری نیز رواج یافت. از طرفی دیگر اقوام مختلف هم عناوین مختلفی برای شمن به‌کار می‌بردند؛ از جمله تاجیک‌ها و ازبک‌ها «باغشی» یا «فالین» (فالچی) و نیز «تائب»، قزاق‌ها «باغسی» یا «بخشی»، اما ترکمن‌ها و اوغورها «پرخوان» (پری‌خوان) یا «بورخوان» که همگی تا به امروز رواج دارند.

ریشه واژه‌های «پرخوان» (پری‌خوان)، یا «بورخوان» که در بین ترکمن‌ها برای نامیدن شمن رایج شده است، از دیدگاه علم اشتقاق، چند نوع تعبیر می‌شود: «پرخوان» (پری‌خوان) از واژه «پری» که در فرهنگ اساطیری ایران باستان به روح پلید گفته می‌شده و در *اوستا* نیز به صورت «pairika» آورده شده است، و «خوان» که بن مضارع فعل «خواندن» است، تشکیل شده است و مفهوم آن «دعا خواندن بر سر جن‌زده» است. نخستین بار این واژه در نوشته جویی مورخ پارسی قرن چهاردهم میلادی آورده شده است (آساراتین<sup>۲۸</sup>، ۲۰۰۱: ۱۴۹).

طبق نظریه برخی پژوهشگران «پرخوان» (porxān) مستقیماً به واژه مغولی «بورخوان» (burxān) ربط داده می‌شود که معنای آن «بت، مورد پرستش» است و در *فرهنگ لغات کاشغری* نیز ثبت شده است. از طرفی دیگر «بورخوان» در بین ترک‌های آسیای میانه نام تحریری بودا شمرده می‌شده است (مقصودی، ۲۰۰۷: ۷-۸).

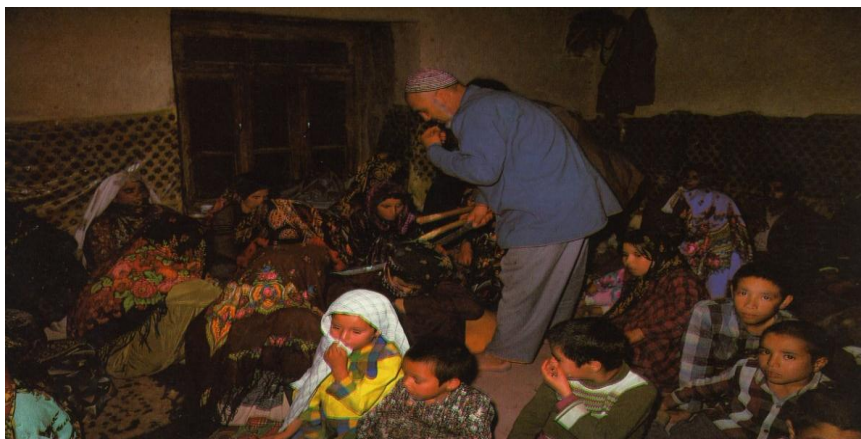
بدین ترتیب تردیدی نیست که اعتقادات مردمان مسلمان آسیای میانه بر مبنای زیرساخت خاصی از باورها و آیین‌های مختلف روحانی، دینی و فرهنگی قبل از اسلام بنا نهاده شده است. این پدیده به زبان علمی «اسلام عامیانه» نامیده می‌شود که از اسلام رسمی متمایز است. در عین حال این آیین‌ها و عادات که بازتابی از باورهای پیش از اسلام هستند، از طرف عامه مردم به‌عنوان سنت‌های اسلامی و نشانگر جزئی از بینش اسلامی پذیرفته می‌شوند.

#### ۴-۳. آیین پرخوانی

امروزه در جای جای مناطق ترکمن‌نشین ایران، به‌ویژه در ترکمن صحرا، هنوز هم پرخوان‌هایی زندگی می‌کنند که این آیین خاص درمانگری را برگزار می‌کنند. از جمله می‌توان رجب پرخوان (ارجب) را نام برد که در روستای ایل چشمه واقع در شرق استان گلستان زندگی می‌کند. پرخوان‌های دیگری هم در استان خراسان شمالی، به‌ویژه روستای جرگلان واقع در شمال بجنورد، زندگی می‌کنند. بنا به گفته رجب پرخوان، آیین پرخوانی بیشتر توسط اعضای طایفه ترکمنی «آتا» برگزار می‌شده است. طایفه آتا یکی از طوایف مقدس ترکمنی یا اولاد است. طوایف مقدس ترکمنی (آتا، خوجه، شیخ، سید، مختوم و غیره) را از نسل خلفای عرب (ابوبکر، عمر، عثمان و علی)

می‌دانند. طبق روایات مردمی طایفه آتا از نسل عثمان است. دمیدوف (۲۰۱۵) در اثری با عنوان *صوفیسم در ترکمنستان*<sup>۲۹</sup> یادآور می‌شود که این طایفه دو نوع ذکر خاص دارند؛ آیینی - جادویی و درمانی که برای بیماران روحی - روانی برگزار می‌شده است. نوع دوم ذکر همان آیین شمنی کهن است، با این تفاوت که رهبر مراسم به جای پرخوان شیخ صوفی بوده است. طایفه خوجه ترکمن‌ها هم این گونه آیینی داشته‌اند (باسیلوف، ۱۹۷۰: ۴۰-۴۱).

به نظر می‌رسد که نمی‌توان نقاط تمایز مشخصی بین جلوه‌های شمنیستی و تصوف که هر دو در جوامع ترکمنی بسیار رواج دارند، قائل شد. اینکه ترکمن‌ها بیشتر آیین پرخوانی را با ذکر صوفیان یکی می‌دانند و تفاوتی بین آن‌ها نمی‌بینند، بیانگر همین نظریه است. احتمالاً هر دوی آن‌ها بر ماهیت پیچیده یکدیگر بسیار تأثیرگذار بوده‌اند. پرخوان هر طایفه ترکمنی ویژگی‌های خاصی دارد. به‌علاوه هر مراسم و آیین پرخوانی برخاسته از آداب و رسوم مختلف است که می‌تواند با آیین پرخوانان دیگر تفاوت‌هایی داشته باشد. حتی هر پرخوان می‌تواند انواع مراسم را اجرا کند. مراسم پرخوانی ترکمنی کاملاً (مراسم شمنی) «oyun» (بازی) نامیده می‌شود که پرخوان آن را برگزار و رهبری می‌کند.



شکل ۱: انجام مراسم پرخوانی در میان قبایل ترکمن؛ کار میدانی منطقه جرجلان.  
پرخوان با ارواح مختلف ارتباط برقرار می‌کند تا با کمک آن‌ها شخص بیمار را که به اعتقاد مردم «جن‌زده» شده است، درمان کند. فقط پرخوان است که توانایی درمان

شخص جن زده را دارد؛ زیرا وی نیروی ماوراءالطبیعی دارد و به وسیله آن می‌تواند از ارواح یاری بطلبد. ارواح (که به صورت اسب‌سواران مسلح حاضر هستند) سپاه و لشگر مطیع او یعنی «گنشی» را تشکیل می‌دهند و در کار مداوای بیمار به او کمک می‌کنند. در این مراسم «سپاه» پرخوان که از جن‌ها و پری‌های خیر تشکیل شده است، به نبرد با «سپاه» ارواح شر که به بیمار آسیب می‌رسانند، برمی‌خیزد. اگر از این نبرد و پیکار «سپاه» پرخوان پیروز در بیاید، بیمار بهبود می‌یابد و جن‌های مغلوب به «سپاه» شمن می‌پیوندند. خلاف قزاق‌ها و ازبک‌ها، مراسم پرخوانی ترکمنی فقط بعد از غروب آفتاب شروع می‌شود. کلیه کسانی که تمایل به حضور در مراسم دارند، در یورتای ترکمنی که حدود ۶۰ نفر ظرفیت دارد، جمع می‌شوند. در صورت ازدحام جمعیت، پارچه‌ها از روی اسکلت چوبی یورتا برداشته می‌شود تا مردم بیرون هم مراسم را ببینند. با وجود این، برخی پرخوان‌ها مانند مردم در بیرون از یورتا را منع می‌کنند، چون «ممکن است جن زده شوند» و حتی به ساکنان روستا هشدار داده می‌شود که آن شب مراسم پرخوانی برگزار خواهد شد، در نتیجه ارواح در کوچه‌ها سرگردان خواهند بود، بنابراین بهتر است مردم در خانه‌های امن خود بمانند.

شمن یا پرخوان در ابتدای مراسم در وهله اول بخش مقابل ورودی یورتا را با بستن پرده‌ای سفیدرنگ و نسبتاً بلند جدا می‌کند. پشت این پرده سفیدرنگ یاران<sup>۳۰</sup> پرخوان، یعنی همان ارواحی که برای دیگران قابل مشاهده نیستند، جمع می‌شوند. شمن به هیچ‌کس اجازه ورود به این بخش از یورتا را که با پرده جدا شده است، نمی‌دهد، اما خودش گاهی به آن سوی پرده می‌رود و با ارواح خود سخن می‌گوید و گاهی هم آن‌ها را به نام صدا می‌کند، تا آن‌ها نیز در «بازی» یعنی اجرای مراسم شرکت کنند. حاضران در مراسم پرخوانی باید قبل از ورودشان خود را به خوبی پاک و تمیز کنند، یعنی وضو بگیرند؛ همان کاری که پیش از هر نمازی انجام می‌دهند. پرخوان به خوبی می‌داند که چه کسی این قانون را رعایت نکرده است و فوراً او را بیرون می‌کند.

همانند بخشی‌های قزاقی برای اجرای مراسم پرخوانی ترکمنی خنجر و شمشیر لازم و ضروری است. پرخوان با خنجرش توانایی‌های خارق‌العاده‌اش را به نمایش می‌گذارد. پرخوان در حین اجرای مراسم با دو پا بر روی نوک‌های تیز شمشیر به راحتی می‌ایستد

و یا بر روی لبه‌های آن، بدون آنکه زخمی شود راه می‌رفت و یا همان شمشیر را به شکمش فرو می‌کرد و درمی‌آورد، بدون آنکه اثری از آن بر بدن پرخوان به‌جا بماند. شمن می‌تواند با کمک طناب مخصوصی (توگ) که قبلاً از سقف آویزان شده است، به بام یورتا برود و از روزنه‌ای که در مرکز آن قرار دارد جن‌ها را صدا بزند، پاهایش را از آن روزنه بیرون ببرد و از آنجا وارونه آویزان شود. ناگفته نماند که مراسم پرخوانی با همراهی موسیقی اجرا می‌شود. ساز مورد استفاده در این مراسم معمولاً دوتار است که ساز محبوب ترکمن‌های ایران است و گاهی هم کمانچه (قیچق) است. سراینده اصلی اشعار آوازهای پرخوان ترکمنی، علیشیر نوایی، صوفی و شاعر قرن ۱۰ هجری است. شمن‌ها در طول مراسم از موسیقی خاصی استفاده می‌کنند که با شنیدن آوای آن، جن‌ها و پری‌ها جمع می‌شوند. پرخوان‌ها با همراهی آوای موسیقی ابتدا نام معصومین و سپس ارواح خیر را ذکر می‌کنند. پرخوان‌های ترکمنی به خوبی بر روش‌های هیپنوتیزم و ترفندهای شعبده‌بازی تسلط داشتند که خود یکی از ویژگی‌های برجسته شمن‌های ملل دیگر است.

گاهی پرخوان برای اجرای مراسم، ذبح و قربانی کردن حیوانی خاص مثل مرغ سیاه یا حنایی، بز یا گاو نر را برای ارواح لازم و ضروری می‌داند. جن‌ها درباره رنگ حیوان به پرخوان تذکر می‌دهند. حیوانی که در این مراسم قربانی می‌شود «اوچوک»<sup>۳۱</sup> نامیده می‌شود. پرخوان حیوان ذبح شده را برمی‌دارد و به دور بیمار می‌گرداند و حتی چندین بار با آن به بیمار ضربه می‌زند. در آخر حیوان جان می‌دهد و شمن دستور می‌دهد تا آن را در مکانی دور از سکونتگاهشان، در چاله‌ای عمیق دفن کنند. احتمالاً با این گونه عملیات روح پلید به حیوان منتقل می‌شود و بیمار شفا می‌یابد.

باسیلوف (باسیلوف، ۱۹۸۴: ۲۰۸) در این رابطه معتقد است که اسلام از شمن‌ها حق سفر به دنیاهای دیگر را گرفت؛ زیرا با اعتقادات اسلامی مغایرت داشت. در دنیای انسان‌ها نیز عملکرد و نقش اجتماعی آن‌ها را محدود کرد و در نحوه برگزاری آیین و مراسم آن‌ها تغییراتی داد. اما صعود پرخوان با طناب به بام یورتا و چرخیدنش در آنجا، نماد توانایی وی در سفر به دنیای دیگر است (این حرکت توسط شمن‌های ترک



پَرخوانی و ذکر خنجر: بقایای اعتقادات کهن... عقیل تقوی

سیبری نیز انجام می‌شود)، اگرچه امروزه بیشتر این حرکت فقط یکی از ترندهای ماهرانۀ پرخوان به شمار می‌آید.

آیین ذکر پرخوان یا مجلس پرخوانی ترکمن‌های ایران با آیین پرخوانی مناطق دیگر کاملاً مطابقت دارد. پرخوان نیز مراسم را پس از غروب آفتاب و با همراهی آوای موسیقی صوفیان اجرا می‌کند و در نهایت به مرحلهٔ خلستگی (حالت اگزتاتیک) می‌رسد. در این مراسم بخشی که در بین ترکمن‌ها به خواننده یا «عاشق مردمی» معروف است، نقش مهمی ایفا می‌کند. بخشی با نوای دوتار و آواز خود با حرکات پرخوان همراهی می‌کند.

گفتنی است پرخوان در مدتی که در حالت خلستگی به سر می‌برد به دنیای پرنج بیمار یا جن‌زده (به گمان او اجنه و پری‌ها روح بیمار را به اسارت خود درآورده‌اند) وارد می‌شود و با روح او ارتباط برقرار می‌کند. در پایان مراسم، پرخوان با بازگشت از دنیای بیمار، او را نیز به همراه خود به زندگی عادی و روزمرهٔ خود بازمی‌گرداند و از اسارت اجنه و پری‌ها درمی‌آورد. مشخص است که در این بخش نیز توانایی خاص شمن در سفر به دنیاهای دیگر که پیشینه‌ای بسیار کهن دارد، نمایان می‌گردد.

### ۳-۵. ذکر خنجر؛ رقص محلی ترکمن‌ها به‌عنوان نمادی از مراسم تلفیقی دینی

در این بخش به آیین ذکر خنجر می‌پردازیم که در میان ترکمن‌های ایران بسیار رایج و مرسوم است. این مراسم در اصل یک قطعۀ نمایشی است که به نام‌های «رقص ذکر خنجر» و یا «رقص خنجر» شهرت دارد. این رقص را در اصل مردان ترکمنی که لباس محلی پوشیده‌اند، با کارگردانی پرخوان که خنجری به کمر بندش بسته است، اجرا می‌کنند.

ریش سفیدان ترکمن دربارهٔ پیشینهٔ تاریخی و قدمت مراسم رقص خنجر می‌گویند که این مراسم به رقص مخصوص درویشان صوفی شباهت دارد و در بین ترکمن‌هایی که پیرو طریقت عرفانی نقشبندیه بوده‌اند، رواج داشته است. اما این رقص ریشه‌های عمیق‌تری دارد و قدمت آن به سه قرن قبل از ظهور اسلام بازمی‌گردد و آیینی با مضمون حماسی ترکمنی بوده است (بیگدلی، ۱۳۶۱: ۴۷۰؛ عابدینی، ۱۳۳۳: ۴۵).

در مراسم ذکر خنجر، زبان گفتاری به نظم و در قالب شعر بیان می‌شود و شاهد دوگونه روایت و دیالوگ هستیم که یکی از آن‌ها ارتباط کلامی و آوایی میان پرخوان و هم‌سرایان است و دیگری تک‌گویی یا مونولوگ‌هایی است که توسط پرخوان به صورت دعاگونه ادا و اجرا می‌شود و مخاطب آن پروردگار است. در هم‌سرایی آوایی پرخوان اشعاری را می‌خواند که و هم‌سرایان در پایان هر بند از اشعار آوای «آهّی، آهّی، آهّی، آهّی، آهّی» را در پاسخ به پرخوان تکرار می‌کنند.

### ۱-۵-۳. شعر و ترانه

مضمون بیشتر اشعاری که در مراسم آیینی پرخوانی و ذکر خنجر خوانده می‌شود، رشادت و دلاوری‌های مردان ترکمنی و جنگاوری و سلحشوری است. هرچند اشعاری با مضمون عارفانه و نیایش‌های غزل‌گونه نیز خوانده می‌شود که بر هرچه نزدیک‌تر شدن به پروردگار تأکید دارد. در ادامه بخشی از اشعار مورد استفاده در مراسم رقص خنجر به دو زبان ترکمنی و فارسی آورده شده است.

اوشدی توتای دیشم قولیم یتمز،	ایا دوشلار، برادرلار، الیمدان شونقاریم
آمین خدا، آمین- هو، ها، هو	ایکی باقیم اوزلیپ قاشدی
بارچا لارینگ آتائی، آدم حوا ثندان مدد	ای کریم بکریم، قادر خدا ثندان مدد
فخر عالم، حق حبیبی، مصطفی ثندان مدد	هر نه بولقای کل عالم، انبیا ثندان مدد
ای گوزیم ثنی، ای گوزله یار- ای دلیلم ثنی	ای آلائی ای آلائی ای آلائی ای آلائی
آلائی آلائی آلائی ایسته یار	ای توزیله یار- ای قلبیم ثنی ای ایسته یار

ای آلائی آلائی ایسته یار هو، ها، هو

**برگردان:** ای یاران برادران مرغ شاهینم ز دستم گریخت. دستانم به گرفتن آن قادر نیست؛ زیرا دو دستم از بدنم گسیخت. خدایا من را یاری ده. هو، ها، هو. ای کریم کارساز قادر متعال از تو مدد. ای آدم و حوا انبیا از تو مدد. ای انبیا هر چه هستی عالم از شماست. مدد از تو ای حبیب. فخر جهان محمد مصطفی از تو مدد. هو، ها، هو. یا رب، یا رب، یا رب چشمانم تو را می‌نگرد. زبانم گویای توست. قلبم تو را می‌خواهد. یا رب یا رب. تو را یا رب تو را هو، ها، هو.

گفتنی است که خنجر فقط در دست پرخوان است. اگر رقص خنجر برای درمان بیمار جن‌زده اجرا شود، بیمار را کنار آتشی که روشن کرده‌اند، می‌خوابانند. تمامی شرکت‌کنندگان در آیین، لباس خاص محلی می‌پوشند، از جمله قبای بلندی که تا زانوان می‌رسد و از جنس ابریشم سرخ‌رنگ است. رنگ سرخ نماد خون، جنگ و مبارزه است، و احتمالاً آن‌ها بر این باور بوده‌اند که نیروبخش است. ترکمن‌ها آن را «قزل دون» می‌نامند. کلاه پشمی سفید هم که پشم‌های بلندی دارد، جزء دیگری از لباس خاص مردان را تشکیل می‌دهد. این کلاه ترکمنی کار دست است و آن را «بوخار تلپک» می‌نامند. رنگ سفید کلاه نیز نماد صلح‌طلبی و افکار خیرخواهانه ترکمن‌هاست. برای اجرای این مراسم رقصندگان باید پاپوش خاصی نیز به پا کنند که از جنس چرم دوخته می‌شود و «چاریق» نامیده می‌شود. امروزه در مناطق ترکمن‌نشین ایران از جمله گنبدکاووس، بندرترکمن، گمیشان، آق‌قلعه و غیره گروه‌های خاصی برای اجرای مراسم رقص خنجر وجود دارند که آن‌ها را برای برگزاری آیین‌های رسمی مختلف به خدمت می‌گیرند. جالب توجه است که آیین رسمی رقص خنجر در بین مردم عادی که به قبایل مختلف ترکمنی تعلق دارند، نیز مرسوم است و امروز نیز همانند زمان‌های قدیم این مراسم را در گردهم‌آیی‌های رسمی و به مناسبت‌های مختلفی چون مراسم عروسی، تولد نوزاد پسر، برپاکردن آلاچیق جدید برای نوداماد، و همچنین در مراسم «آق‌آش» رقص خنجر اجرا می‌شود. آق‌آش جشنی است که به مناسبت ۶۳ سالگی مرد ترکمن که همان سن وفات پیامبر اسلام است، برگزار می‌شود. رقص خنجری که در چنین آیین‌ها و جشن‌هایی اجرا می‌شود، نیازی به برپایی آتش ندارد.

وجود آتش در مراسم و رقص سنتی، نمادی از اعتقاد ترکمن‌ها به نیروی معجزه‌گر آتش به‌شمار می‌آید. ترکمن‌ها معتقدند که آتش درمانگر و شفادهنده و تطهیرکننده است و نیز نیروی رازآمیز دارد که حامی انسان در مقابل «چشم‌زخم»، ارواح خبیث و جن‌هاست. در بسیاری از آیین‌ها و مراسم ترکمن‌ها آتش به‌عنوان طهارت‌دهنده و حمایت‌گر وجود دارد. این موضوع را دمیدوف<sup>۳۲</sup> (۱۹۶۵) اساس پژوهشی علمی قراردادده و آتش را علت و منشأ بازنمایی‌هایی جمعی ترکمن‌ها بیان کرده است بدین ترتیب ریشه‌های این آیین مذهبی - نمایشی که به اعتقادات و سنن کهن

ترکمن‌ها پیوند خورده است، در طول زمان به شدت تحت تأثیر شیوه‌های بیان قالب-های اعتقادی عرفان اسلامی یا تصوف قرار گرفتند که به نوعی با جهان‌بینی شمنیستی ترکمن‌ها در واقع سازگارتر و نزدیک‌تر بودند.

در حال حاضر ماهیت تلفیقی و پیچیده اعتقادات و دیدگاه‌های مذهبی ترکمن‌ها عمدتاً نتیجه تأثیر متقابل ادیان مختلف مزبور در طول قرن‌هاست، و مجلس پرخوانی یا آیین ذکر و ذکر خنجر که از جمله آیین‌ها و مراسم ملی هستند که مردم ترکمن آن‌ها را تا به امروز حفظ کرده‌اند، نشانگر همین واقعیت است.

در شرح مراسم پرخوانی و ذکر خنجر می‌توان تأثیر دین اسلام بر آیین بازمانده از دوران شمنیسم را به وضوح تشخیص داد. به جز مضمون ایدئولوژیکی این آیین شمنیستی که در آن تأثیرگذاری دین اسلام بسیار روشن است، وجود عواملی چون ذکر نام مقدسات اسلامی و یا حضور جن‌ها در جایگاه ارواح خیر و یاری‌رسان، بخشی از جهان‌بینی اسلامی است. از سویی دیگر از دیدگاه چگونگی برگزاری این آیین، اجباری کردن وضوگرفتن حاضران از سوی پرخوان و نیز محتوای اشعار آوازهایی که توسط علیشیر نوایی سروده شده‌اند، بیانگر عقاید عرفان اسلامی است. این رفتارها از جمله عواملی است که به آیین پرخوانی روح و رنگ اسلامی می‌بخشند. شاهد دیگر بر این مدعا اینکه ترکمن‌های ایران برای مراسم پرخوانی و ذکر خنجر نیز از موسیقی تصوف استفاده می‌کنند.

#### ۴. نتیجه‌گیری

در این مقاله تلاش شد ضمن معرفی خاستگاه تاریخی-جغرافیای ترکمن‌ها، ویژگی-های اعتقادی آن‌ها از کهن‌ترین زمان‌ها تا به امروز بازگو شود. با بررسی همه‌جانبه نمادهای آیینی و نشان‌هایی که در بازنمایی‌های جمعی ترکمن‌ها وجود دارد، به سرچشمه باورهایی می‌رسیم که این آیین‌ها را رقم زده‌اند. ریشه بسیاری از مضامین دینی و اعتقادی ترکمن‌ها را باید با توجه به شرایط زیست و معیشت آن‌ها مرتبط دانست. این موضوعی است که ترکمن‌شناسان و متخصصان انسان‌شناسی و قوم‌نگاران نیز به آن پرداخته‌اند. در این راستا نقش و تأثیر فرهنگ‌های هم‌جوار و ادیان مسلط را

پَرخوانی و ذکر خنجر: بقایای اعتقادات کهن... \_\_\_\_\_ عقیل نقوی

نیز نباید نادیده گرفت؛ زیرا ترکمن‌ها با زیستن در فلات ایران بسیاری از اعتقادات و رفتارهای آیینی ایرانی را با باورهای خود تلفیق کرده‌اند و آن را تا به امروز نگه داشته‌اند. با ظهور اسلام و تشریف ترکمن‌ها به اسلام، عناصر دینی با باورهای کهن آن‌ها بیشتر تلفیق یافت. این موضوع را در سراسر مقاله با بیان نمونه‌ها و شواهد بسیار بررسی کردیم و سهم و نقش اسلام را در ترکیب و تنوع‌بخشی به مضامین اعتقادی ترکمن‌ها تا حدودی مشخص کردیم. از سویی دیگر باید به این امر مهم اشاره کرد که این تأثیر دوسویه بوده و می‌توان نمونه‌های فراوانی از نفوذ و راه‌یابی اعتقادات و آیین‌های ترکمنی به ویژه شمنیسم را در فرهنگ‌های ایرانی و اعتقادات اسلامی بازجست. این نفوذ در اعتقادات متصوفه بیشتر خود را نشان می‌دهد.

به هر حال نمادها و نشانه‌های پدیدارشناختی اعتقادات ترکمن‌ها ما را با بینش و جهان‌بینی آن‌ها آشنا می‌کند. این امر همچنین مبین این حقیقت است که اقوام ترکمن چه مراحل تاریخی پر فراز و نشیبی را طی کرده‌اند. هرچند نظام اعتقادی آن‌ها بقایایی از دوران اعتقادات آنیمیستی و توتمیسم را با خود به همراه دارد.

#### پی‌نوشت‌ها

1. Ironz
2. Basworth
3. The Psychic Unity of Mankind
4. Turkmen tribes
5. Social stratification of Turkoman Turkmen in Iran
6. About the history of the Turkmen people
7. Ishanhay
8. Bassiliev
9. Taylor
10. Elementary culture
11. Human psychic unity
12. Mystic
13. Culture and Health: Applied Medical Anthropology
14. Winkelman
15. Агаджанов С
16. Гумилев Л
17. Jacobson
18. Intermediaries
19. Snesariff
20. Pre-Islamic practices and beliefs among Central Asian Uzbeks

21. Litvinsky
22. Gignoux
23. Aghajanov
24. Gomeliev
25. Sinbec on the anniversary and affectionate
26. Cannonf
27. Petafev
28. Asatrian
29. Sufism in Turkmenistan

۳۰. (ترکی yoldaş)

۳۱. (ترکی قدیم iduk - «مقدس»)

32. Demidov

### منابع

#### الف) منابع فارسی

- آساطوریان، گارنیک (۱۳۹۲). «آل». *دانشنامه فرهنگ مردم ایران*. تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- ابراهیمی، معصومه (۱۳۹۲). *دیوشناسی ایرانی*. تهران: فرهامه.
- ----- (۱۳۸۳). «پری». *دائرةالمعارف بزرگ اسلامی*. ج ۳. تهران: مرکز دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
- الیاده، میرچا (۱۳۷۲). *اسطوره بازگشت جاودانه*. ترجمه بهمن سرکاراتی. تهران: طهوری.
- ----- (۱۳۹۲). *شمینیم فنون کهن خلجگی*. ترجمه محمد کاظم مهاجری. تهران: ادیان.
- بیانی، شیرین (۱۳۸۹). *دین و دولت در ایران عهد مغول*. تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- بیگدلی، محمدرضا (۱۳۶۱). *ترکمن های ایران*. تهران: پاسارگاد.
- جعفری، حسن (۱۳۸۷). «دین و اسطوره: بررسی فلسفی نظریه میرچا الیاده پیرامون اسطوره». *پژوهشنامه ادیان*. س ۲. ش ۴. صص ۴۷-۷۴.
- جوینی، عطاملک (۱۳۷۰). *تاریخ جهانگشای*. به اهتمام محمد قزوینی. تهران: ارغوان.
- شکری، هوشنگ (۱۳۹۴). «تأثیر تصوف بر ایلخانان مغول». *اطلاعات حکمت و فلسفه*. ش ۱۱۶. صص ۱۶-۱؛
- <http://www.ettelaathekmatvamarefat.com/new>
- عابدینی، سیدمهدی (۱۳۸۴). «عناصر نمایشی در مراسم ذکر خنجر». *دائرةالمعارف ترکمن*.

<http://www.bayragh.ir/>

- لوی برول، لوسین (۱۳۹۰). *کارکردهای ذهنی در جوامع عقب‌مانده*. ترجمه یدالله موقن. تهران: هرمس.
- لاگاشووا، بی‌بی رابعه (۱۳۵۹). *ترکمن‌های ایران*. ترجمه سیروس ایزدی. تهران: شباهنگ.

#### ب) منابع لاتین

- Arakelova, V. (2005). "Spirit Possession: The Caucasus, Central Asia, Iran, and Afghanistan". - *Encyclopaedic of Women and Islamic Culture*. vol. 2. Leiden: Brill.
- Asatrian, G. (2001). "Al Reconsidered". *Iran and the Caucasus*. vol. 5. 2001. pp. 149-157.
- Bosworth, C. E. (2003). "Shamanism". *History of Civilizations of Central Asia*. vol.5. published in English.
- Bosworth, C. E. (1354). "The Early Ghaznavids". *Cambridge History of Iran*. vol. 5. pp. 162-197.
- Barthold, V. (1962). "A History of the Turkman People". *Four Studies of the Historis of Central Asia*. vol. 3. Ledin: Brill.
- Gignoux, Ph. and B. A. Litvinsky (1996). "Religions and Religious Movements – I". *History of Civilizations of Central Asia*. vol. 3. pp 1-690.
- Jakobsen, M. D., (1999). *Shamanism, Traditional and Contemporary Approaches to the Spirits and Healing*. New York .
- Maghsudi, M. (2007). "The Native Women Healers of Turkmen-Sahra in Iran". *Iran and the Caucasus*. vol. 11. Leiden. pp. 1-9.
- Wilks, J. M. (2001). "The Persianization of Kōroğlu: Banditry and Royalty in Three Versions of the Kōroğlu Destan". *Asian Folklore Studies*. vol. 60. N 2. pp. 305-318
- İnan, A. (1988). "Müslüman Türklerde Şamanizm Kalıntıları". *Makaleler ve İncelemeler*. Ankara.
- Taylor, E. B. (1871). *The Primitive Culture, Researches Into the Development of Mythology, Philosophy, Religion, Art, and Custom*. vol 1. London.
- Winkelman, M. (2008). *Culture and Health, Apllying Medical Anthropology*. USA. Jossey- Bass.
- Ironz, W. (1968). *The Yomut Turkmen: A study of social organization among a Central Asian Turkic –Speaking population*. USA, Michigan University.
- ----- (1968). "The Turkmen Nomads". *Natural History*. vol.77. pp 1-193.

#### ج) منابع روسی:

- Агаджанов, С. Г. (1971). "Огузские племена Средней Азии IX—XIII вв". *Страны и народы Востока*. Москва.

- Бартольд, В. В. (1993). "Тюркн" Двенадцать лекций по истории турецких народов Средней Азии, Алматы.
- Бартольд, В. В. (1966). "Ишан". *Работы по истории ислама и Арабского халифата*, Сочинения т.6, Москва.
- Басилов, В. Н. (1992). Шаманство у народов Средней Азии и Казахстана, Москва.
- Басилов, В. Н. (1970). Культ святых в исламе, Москва.
- Гумилев, Л. Н. (1967). Древние тюрки, Москва.
- Демидов, С. М. (1978). Суфизм в Туркмении (эволюция и пережитки), Ылым, Ашхабад.
- Кононов, А. Н. (1958). Родословная туркмен. Сочинение Абул-Газихана хивинского, Исследование, тексты, перевод, М.—Л., изд. АН СССР.
- Потапов, Л. П. (1991). Алтайский шаманизм, Л.
- Снесарев, Г. П. (1969). Реликты домусульманских верований и обрядов у узбеков Хорезма, АН СССР, Москва.
- Сухарева, О. А. (1975). "Пережитки демонологии и шаманства у равнинных таджиков" - Домусульманские верования и обряды в Средней Азии, Москва.
- Щербак, А. М. (1959). *Огуз-наме*. Мухаббат-наме, Москва.